

عنوان مقاله:

مطالعه تطبیقی دستیابی به غیب در قرآن کریم و عهد عتیق

محل انتشار:

دوفصلنامه کتاب قیم، دوره 5، شماره 13 (سال: 1394)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسندگان:

شیرین رجب زاده - باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد دماوند، دانشگاه آزاد اسلامی، دماوند، ایران؛ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث

بی بی سادات رضی بهابادی - دانشیار دانشگاه الزهرا (س)

خلاصه مقاله:

مساله غیب از آموزه های مشترک ادیان الهی است و خبر دادن از آن، یکی از شاخصه های شناختپایامبران ارسال شده از سوی خداوند است. از آنجا که مقایسه ادیان ابراهیمی در موضوعات اساسی، زمینهودت و نزدیکی هرچه بیشتر این ادیان را فراهم می آورد، این پژوهش در این راستا می کوشد، انواع غیبگویی در قرآن و عهد عتیق را بکاود. در این دو کتاب مقدس، خبر دادن از غیب به دو نوع کلی پسندیده (ممدوح) و نکوهیده (ممنوع) تقسیم شده است. در هر دو کتاب، نبوت با نام نوویا () در عهدعتیق- غیبگویی ممدوح است که در این نوع خبر دادن از غیب، نبی الهی از راه وحی به غیب دست مییابد. اما در غیبگویی ممنوع که مشتمل بر کهنات، سحر و جادوست، مورد تایید قرآن و عهد عتیق نیست. در فرهنگ دینی برآمده از عهد عتیق و قرآن، جادوگری که با استفاده از ابزارهای ناپسندی چون بت، مشورتبا مردگان، اندام حیوانات و... از امور غیبی با خبر شود، نکوهیده است. با این حال، کاهن در عهد عتیق مقاموالایی دارد اما در قرآن تایید نگشته است. غیبگویی در امور عادی، آموزه خاص عهد عتیق است که غیبگوبا بهره گیری از ابزاری چون خواب، قرعه، پیکان، آب و... از غیب مطلع می گردد.

کلمات کلیدی:

قرآن، عهد عتیق، خبر دادن از غیب (غیبگویی)، نبوت، سحر، کهنات

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/808847>

